

به بهانه برگزاری دومین جشنواره سالانه هنر معاصر ایران پرسبک آن لاین جشنوارهای برای تمام فصول



ندا درزی*

■ فضای امروز جهان پر است از اخباری دردناک و وحشتناک که قلب هر مخاطبی را فشرده و آکنده از غم می کند، اما چه راهکاری برای کاهش این تأثیر مخرب وجود دارد؟ به‌خصوص در فضای مجازی که اطلاعات و تصاویر رنج‌آور بی‌درپی مقابل دیدگان کاربران قرار می‌گیرد، چه چیز می‌تواند این فضا را تلطیف کند؟ هنر شاید یکی از راهکارهای مقابله با این موقعیت باشد. تصویر زیبا شاید حتی برای لحظاتی توان آن را بیابد تا مخاطب را به جهانی دیگر سرشار از احساس و رویا ببرد. ایده ابتدایی و بنیادین جشنواره سالانه هنر معاصر ایران پرسبک که به صورت آن لاین برگزار می‌شود، این چنین آغاز شد و با انتشار آثار هنرمندان در فضای مجازی اولین گام‌های خود را برداشت. استقبال از این اقدام بسیار زیاد بود و تعداد اعضای که به مشارکت می‌پرداختند به حدود پنج هزار نفر رسید که این باعث تشویق شخص من جهت گسترش دادن این پروژه شد. سال گذشته در اولین دوره از این جشنواره حدود ۳۵۰ هنرمند شرکت داشتند که در ۱۱ رشته به رقابت پرداختند، اما امسال تصمیم بر این گرفته شد که تعداد رشته‌ها به هفت عدد کاهش یابد. این کاهش امری ضروری بود تا براساس آن بتوانیم سطح کیفی آثار را ارتقا بخشیم و باعث حرفه‌ای شدن این جشنواره شویم. جشنواره امسال خوشبختانه با استقبال خوبی مواجه شده است و از ابتدای تیرماه بیش از ۲۰۰ هنرمند آثارشان را به ای‌میل دبیرخانه ما ارسال کردند. مزیت و امتیاز جشنواره دوم این است که هر هنرمند می‌تواند در دو رشته متفاوت شرکت داشته باشد. به دلیل حضور داوران معتبر بین‌المللی مانند پرفسور لوسی اسمیت، هنرمندان این موقعیت مطلوب را خواهند داشت که پس از کسب امتیاز و مقام نهایی به جهان معرفی شوند و همچنین بتوانند با کمک مدیران جشنواره در ایران نیز آثار خود را به نمایش بگذارند. جشنواره هنر معاصر ایران (پرسبک) فرصت مناسبی است برای ارتباط هنرمندان جوان با بازار خرید و فروش آثار هنری و نیز آشنایی با سایر هنرمندان و تبادل نظر در زمینه هنرهای تجسمی. امسال اولین نمایشگاه آثار برگزیده نخستین دوره رقابت‌های این جشنواره در گالری سین سین برپا خواهد شد تا نتیجه رقابت‌های سال گذشته در معرض کسه در پایتخت زندگی نمی‌کنند و سه دور از هیاهو و جاروجنجال‌های محافل هنری تهران به خلق آثار خود می‌پردازند. این جشنواره فرصت مقتمتی است تا این گروه از هنرمندان به شکلی مستقیم بتوانند به جهان، ارتباطی سالم برقرار کنند. حضور برخی از هنرمندان برگزیده این جشنواره در فستیوال سالانه کانکت و برگزاری نمایشگاهی از هنرمندان برگزیده در لینتوانی توسط داوراد لوسی اسمیت، خود نمایانگر موفقیت این جشنواره است. در همین جا از تمامی هنرمندانی که علاقه‌مند به حضور در چنین رقابت‌هایی هستند، دعوت به عمل می‌آید تا با ارسال آثار خود در رشته‌های نقاشی، عکاسی، مجسمه‌سازی، ویدیوآرت، چیدمان، پرفورمنس آرت (هنرهای اجرایی) و وب‌پارت، هنر، اندیشه‌ها و احساسات خود را با دیگران به اشتراک گذارند. هیات انتخاب این دوره از جشنواره عبارتند از: شادی قدیران (عکاس)، بیژن سیفوری (گرافیکست)، زینتا شرف‌جهان (مدیر گالری طراحان آزاد)، کامیاب صبری (مجسمه‌ساز) و ملک دادیار گروسیان (مجسمه‌ساز). همچنین داوران نهایی امسال عبارتند از: علیرضا سمیع‌آذر، اهورا دلوسی اسمیت، نازلی مدکور، جیل ارزن و پرنس رودلف گلدینگ.هیات داوران نهایی جشنواره جهت حمایت از هنرمندان منتخب تصمیم گرفتند آثار برگزیده را به سیات و گالری مجازی پرسبک و سایر مراکز معتبر جهانی در شبکه مجازی به نمایش گذاشته و آنان را به کارشناسان و علاقه‌مندان به هنر معرفی کنند.

✽ **طراح، بانی و دبیر اجرایی جشنواره**

یک اتفاق ساده

نمایشگاه عکاسان قاجاری

■ نمایشگاه تصاویر مشاغل دوره قاجار در موزه عکسخانه کاخ گلستان از ۱۵ تا ۳۰ تیر سال ۹۰ برپا می‌شود. در این نمایشگاه، ۳۷ قطعه از تصاویر منتخب آلبوم‌های موجود در کاخ گلستان به معرض نمایش گذاشته می‌شود. این تصاویر متعلق به عکاسان بنام دوره قاجار است. آقا رضا عکاس‌باشی، عبدالله قاجار، محمدحسن قاجار، آنتوان سروگین و میرسیدعلی از جمله عکاسان دوران قاجار به شمار می‌آیند و همچنین از آلبوم عکس ملک قاسم میرزا نیز رونمایی می‌شود. این انتخاب‌ها بر مبنای توجه به اهمیت اسنادی است که به صورت تصویری از دوره قاجار باقی مانده است. این نمایشگاه می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای پرمحتوا برای علاقه‌مندان تاریخ دوران قاجار که حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی را بررسی می‌کنند، حایز اهمیت فراوانی باشد. در کنار این آثار، مجموعه‌ای از عکس‌های دوره قاجار همراه با وسایل عکاسی آن زمان به نمایش گذاشته شده است.

نقاشی معاصر ایران فراز و فرودهای فراوانی را پشت‌سر گذاشته است که تحلیل این روند، زمانی طولانی‌مدت را نیازمند است. نگاه هنرمندان به تاریخ کوتاه‌مدت نقاشی مدرن کشورمان متنوع و متکثر است. از نگاه‌های انتقادی و تدافعی گرفته تا نقطه‌نظرات تحلیلی و حتی ستایش آمیز. چه بخواهیم و چه نه، تمایلات و فرهنگ غیرایرانی در این هنر، نقش موثری را ایفا کرده است، اما اگر از دریچه نگاه جهانی به موضوع بنگریم، دستاوردهای این تعامل و تلفیق برای هنر ایران کم نبوده است. آیا حضور ایران در عرصه رقابت‌های جهانی پررنگ‌تر نشده؟ پاسخ مثبت است، اما در این بین می‌توان به تاملاتی نیز پی برد. تاملاتی که در کلام کریم نصر، نقاش معاصر ایرانی به خوبی هویداست. نمایشگاه اخیر نصر انگیزمای خوب بود تا در گفت‌وگویی به مسایل و چالش‌های نقاشی معاصر بپردازیم.

♦ ♦ ♦

■ **با نگاهی به روند آثار شما می‌توان به نوعی دگردیسی و پوستاندازی اذعان نمود. شما این نتیجه‌گیری را قبول دارید؟**

به آن معنایی که شما می‌گویید، خیر. درست است که در این مدت برخی نظرات پستمدرنیسم را پذیرفته‌ام، اما تغییر ماهوی نکرده‌ام. به این معنا که نگاه من همواره اجتماعی بوده است. مثال‌های زیادی در این زمینه هست. مثل مجموعه آثارم در زمینه گفت‌وگو یا نقاشی‌هایم درباره خیابان ولی‌عصر که نشانگر نوعی بهم‌ریختگی اجتماعی است یا چهار پرده تئاتر شهر. حتی زمانی که بر تهره هم می‌کشیدم، درصدد نمایش تناقضات شخصیتی‌بوم.

■ **آثار جدیدتان را چگونه تشریح و تعریف می‌کنید؟**

در نقاشی‌های اخیر، سعی کردم موقعیت انسان ایرانی را در جهان بستنجم. وقتی موضوع «جهان» به میان آمد تضادهای خیلی زیادتر شد.قبول دارم که کارهایم تغییر کردند، اما تغییر ماهوی نکرده‌اند.

■ **در آثار جدید شما مخاطب با مجموعه‌ای متنوع از حروف فارسی و لاتین روبه‌رو می‌شود، علامت‌هایی که دلالت بر مفاهیمی خاص دارد. چه اتفاقی در شما باعث آن شد که به سمت حروف بروید؟**

این حروف و کلمات معنی ندارند. من به عنوان نشانه از آنها استفاده‌می‌کنم.

■ **آیا می‌توان گفت که از نهضت سفاخانه و آثار آن الهام و تأثیر گرفته‌اید؟**

خیر. ربطی به جنبش سفاخانه ندارد. فرض کنید می‌خواهم یک فضای خرافی را نشان دهم. این در طلسم‌های قدیمی وجود دارد، کلمت و شمار دهایی که روی صفحات فلزی نوشته می‌شد. قصد من این است تا با این نشانه‌ها که ایرانیان سابقه ذهنی از فرهنگ خاصش دارند، ارتباط برقرار کنم.

■ **در جنبش سفاخانه هم هنرمندان روی حروف کلمات اشیای آیینی و اعداد ابجد کار کرده‌اند. در هر صورت یک میراثی از آن جنبش باقی مانده است، شما به عنوان هنرمند نسل پس از این جنبش کار آنان را کامل تر نکرده‌اید؟**

شاید این چنین به نظر می‌آید. بالاخره جنبش سفاخانه روی هنرمندان تأثیر گذاشته است، اما دقت کنید که من حروف را به عنوان یک عنصر تزئینی مورد استفاده قرار نداده‌ام. در هنر جنبش سفاخانه خود حروف تبدیل به اثر می‌شود. در صورتی که در نقاشی‌های من حروف و اعداد در کنار اندام و اشیا معنا می‌دهند.

■ **شما به عنصر تزئینی در نقاشی اشاره کردید. تعریف دقیق شما از عناصر تزئینی چیست؟**

هر عنصر صوری که بی‌ارتباط با معنای کار باشد عنصر بصری است. آن عنصری که کاری انجام می‌دهد، تزئینی نیست. ■ **شما چقدر در میراث و ناخودآگاه جمعی ایرانی در هنر تان بهره می‌رید؟**

خیلی خیلی زیاد است. به طور مثال اندام‌ها در نقاشی‌ها مخاطب را به سمت نوعی تداعی اسطوره سقوی می‌دهد. ایستادن‌ها و نشستن‌ها خشک و اسطوره‌ای است.

♦ ♦ ♦

اینکه کسی در ۷۸ سالگی اولین نمایشگاهش را برگزار کند و بعد حالا در ۸۸ سالگی تازه در مسیر شهرت افتاده باشد، چیز عجیبی است؛ اما وقتی در آیار تمانی در یکی از خیابان‌های فرعی شهر ک‌غرب باز می‌شود و پیرمرد در کنار همسر خندان و مهربان فرانسوی‌اش جلو در ظاهر می‌شود، همه این ماجرا برابمان امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. آنها صمیمی و فارغ از هرگونه نمایش‌اند. پیرمرد سال‌های عمرش را به کار و تلاش در کارخانه‌هایی گذرانده که به تخصص‌اش در صنایع غذایی محتاج بودند، با اینکه طی این سال‌ها دایما نقاشی می‌کشیده اما همیشه برای دلش این کار را می‌کرده و حتی وقتی که بسیار حرفه‌ای بود، حرفه‌ای نبود. همسر فرانسوی پیرمرد در هر کلام که می‌گوید یک‌بار می‌خندد و شادی و مهربانی توأمانش، یک انرژی مثبت مداوم است. در آن آیار تمان طبقه پنجم به اتفاق خانم هردنی به دیدار آقای لئون کهن رفقیم، بهانه ما برای این مهم‌صاحبه هم، نمایشگاهی بود که در گالری هردنی برگزار شده بود و در آن آثار سه نسل از نقاشان معاصر را به نمایش گذاشته بود. علی گلستانه و لئون کهن که از شاگردان استاد علی‌اصغر پنگر بودند و کریم نصر از نسل بعدی و آثار نقاشانی چون شادیا ذاکر عاملی، حسینیعلی ذابچی، فرشید شفیعی، عباس میرزایی و امیر پاشا همشوار که از نسل جوان تر بودند.

♦ ♦ ♦

■ **سلاهیات نقاشی می‌کشید اما چند سال است که فعالیت‌تان بیشتر شده و بعد از این همه سال به تازگی در چندین نمایشگاه شرکت کرده‌اید. این شور و اشتیاق شما به نقاشی در این سن و سال خیلی جالب است، اما چرا زودتر به صورت جدی نقاشی را دنبال نکردید؟**

البته من از ۱۸ سالگی نقاشی را شروع کردم و مدتی هم شاگرد استاد علی‌اصغر پنگر بودم و در ۲۱سالگی برای ادامه تحصیل از ایران رفتم و بعد هم در گیر کار شدم.

■ **معمولا کسانی که خودشان را به عنوان نقاش می‌شناسند، کار حرفه‌ای آنها نقاشی می‌شود، اما حرفه شما هیچ‌وقت نقاشی نبوده. چرا؟**

خیلی سوال جالبی کردید. بله کار من هیچ‌وقت نقاشی نبود. من همیشه برای دلم نقاشی می‌کشیدم. در طول دوران تحصیل در فرانسه با نقاشان بزرگ و تکنیک‌های مختلف آشنا شدم و همه آنها روی من تأثیر گذاشتند. اگر به تابلوهای من نگاه کنید، هم می‌بینید که تلفیقی است از سبک‌های مختلف،

■ **پس شما نگاه اسطوره‌گر ایانه دارید؟**

ما به طور طبیعی حامل بخشی از اساطیر هستیم. رفتارمان اسطوره‌ای است، خشک. رفتار می‌کنیم همانگونه که اساطیر به ما مؤخند.

■ **مخالفت‌این‌گونه‌رفتار‌هاستید؟**

با موافقت و مخالفت کاری ندارم. اینها وجود دارند و من نمایش می‌دهم، تفسیر نمی‌کنم.

■ **اما در آثار شما نوعی قضاوت وجود دارد. آثار شما بازنمایی‌کننده نیست بلکه با دآوری عجین است. یعنی دیدی انتقادی دارید، همین فضاهای تاریک انسانی به نظر شما نوعی قضاوت در زمینه موقعیت انسان معاصر نیست؟**

شاید بشود این اسم را هم بر رویش گذاشت. اما من آنچه را که هست، نمایش می‌دهم. در نهایت این نوعی رئالیسم است. واقعیتی وجود دارند.

■ **برخی معتقدند که آثار بدبینانه زیبا نیست و تلخی چیز جالبی نخواهد بود. نظر شما در این زمینه چیست؟**

بیش از ۹۰ درصد آثار تجسمی بدبینانه است. شما نگاه کنید به آثار میکلاژ، کاراواجیو ال گر کو همگی نگاه بدبینانه‌ای دارند. زیبایی یک رابطه هست. رابطه بین خطوط، تناسبات، رنگ‌ها.

■ **آیا شما را می‌توان براساس آثار تان به عنوان یک نقاش انتقادی و پستمدرن قلمداد کرد؟ مثلا پستمدرنیست‌ها از معناگذاری قطعی فرار می‌کنند.**

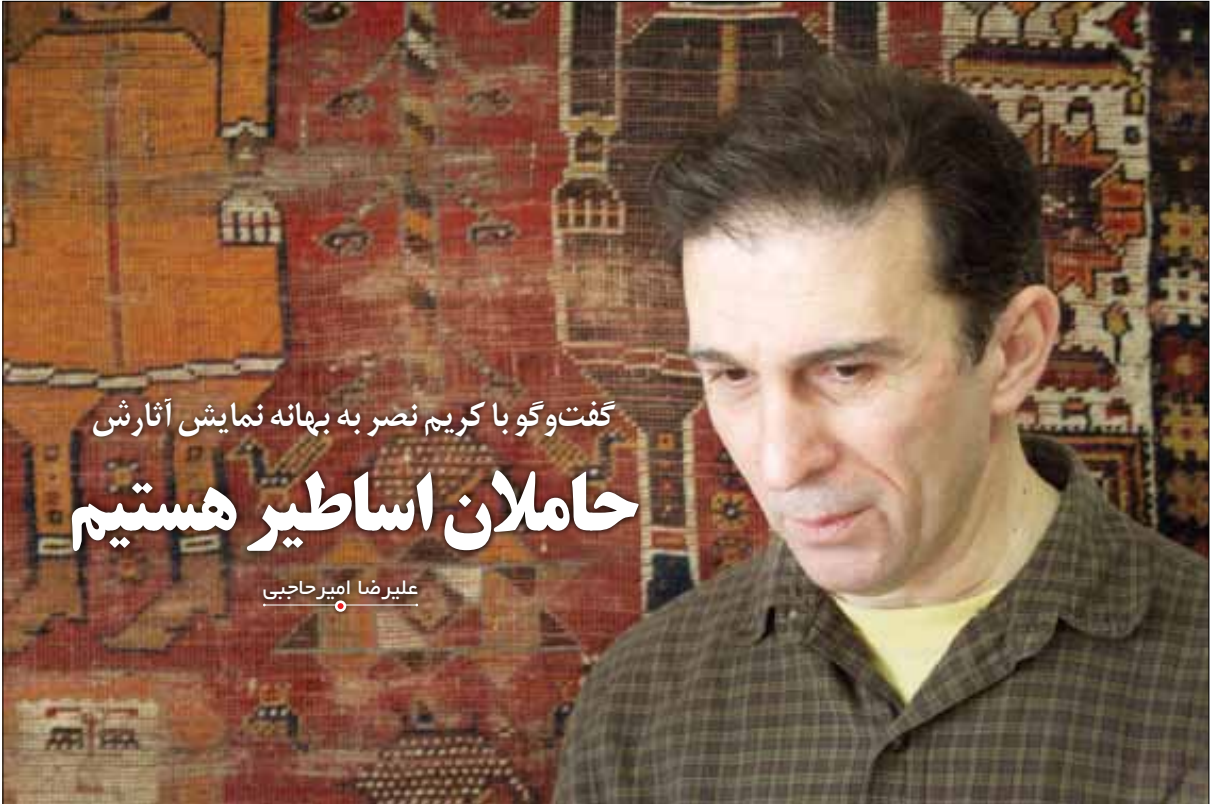
من بخش‌هایی از تفکر پستمدرن را می‌پذیرم و بخش‌هایی را خیر. هیچ هنرمندی ادعا نمی‌کند که معنای قطعی کار نزد من است. اگر بگویید کسی قبول نمی‌کند هرچقدر هنرمند تراز اول‌تر بوده به همان میزان غیرقطعی‌تر و نسبی حرف می‌دهد.

■ **شما دوست دارید آثار هنری‌تان چگونه و با چه دیدگاهی تفسیر شود؟ واکاوانه؟ اجتماعی؟ یا؟**

من هیچ انتظاری ندارم، دوست دارم هر کس با توانایی‌های ذهنی خودش در برابر اثر نقاشی من بایستد. اگر بیننده‌ای در مقابل کار من بایستد و آن را تماشا کند، عالی است. وقتی ایستاد یعنی در حال تفسیر و برداشت است. یعنی ذهن فعال شده است.

■ **روش خلق اثر نزد شما چگونه است؟ شهودی؟ یعنی کلیت اثر را در یک لحظه در ذهن می‌بینید و سپس اجرا می‌کنید؟**

تجسمی



گفت‌وگو با کریم نصر به بهانه نمایش آثارش

حاملان اساطیر هستیم

علیرضا امیرحاجبی

خیر. من هدف را می‌دانم که چیست اما نمی‌دانم چگونه به

آن می‌رسم. در نتیجه کار را شروع می‌کنم و جلو می‌برم ولی خیلی عوامل پیش‌بینی نشده وارد پروسه کار می‌شوند.

■ **در زمان خلق اثر چقدر به مخاطب فکر می‌کنید؟ آیا به طور کلی دغدغه مخاطب را دارید؟**

قطعا این دغدغه وجود دارد اما نمی‌خواهم دقیقا به همان جایی که من رسیدم، او نیز برسد. فقط می‌خواهم به اثر توجه کند

■ **به نظر شما آیا هنرمند باید متعهد باشد یا آزاد؟ به عبارت دیگر شما هنر متعهد را قبول دارید؟**

به هیچ‌وجه معتقد به هنر متعهد نیستم. من فکر نمی‌کنم که هنر متعهد به هدفش رسیده است یا نه. مثال بارزش جنبش فوتوریسم است که علنا از فاشیسم حمایت کردند. چیزی که مهم است تعهد آنان نبوده، آثار آنان است به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ایتالیا بسیار تأثیرگذار بوده و هست. فاشیسم فرواش نشده است اما فوتوریسم هنوز به عنوان یک مکتب هندی کارکرد خود را داراست. از طرف دیگر کیست که این بایدها و نبایدها را تعیین می‌کند؟

■ **نهاد قدرت خطوط تعهد‌پذیری را مشخص می‌کند. درست‌است؟**

قدرت هم متوجه نیست که تعهد قابل تزریق نیست. این اعتقاد راسخ من است. همان‌گونه که فکر می‌کنم، رئالیسم اجتماعی هنری کاملاً ورشکسته و منحل‌بوده.

■ **چرا؟**

چون ظاهر و پوسته واقعیت بود. در صورتی که واقعیت بیشتر در عمق در جریان است.

■ **دغدغه اصلی شما به عنوان یک هنرمند چیست؟ زندگی‌تان، هنر تان و جریان اصلی فکر‌هایتان چیست؟ موقعیت اجتماعی‌هم‌تین‌دغدغه من است.**

■ **چه چیز اجتماع مورد انتقاد و نگرانی شماست؟**

بی‌برنامگی، به‌هم‌ریختگی. اینها مستقیما روی زندگی افراد جامعه تأثیر می‌گذارند. روند رشد بیولوژیک و روانی در اینجا طبیعی نیست.

■ **نظر شما به عنوان یک نقاش درباره هنرهای مفهومی چیست؟**

زیاد با این هنرها موافق نیستم. چون در آرایه مفهوم شکست

لئون کهن، نقاش:

برای دلم نقاشی می‌کشیدم

مرجان صانینی

رئالیسم، امپرسیونیسم، فوایسم با کنترل‌های رنگی مختلف. ■ **جمع اینها شده لئونیسیم (خنده).**

بله، (خنده). بعد از آن من در یک شرکت کشتیرانی باربری و مسافربری استخدام شدم که در هر کلام که می‌گوید یک‌بار می‌خندد و شادی و مهربانی توأمانش، یک انرژی مثبت مداوم است. در آن آیار تمان طبقه پنجم به اتفاق خانم هردنی به دیدار آقای لئون کهن رفقیم، بهانه ما برای این مهم‌صاحبه هم، نمایشگاهی بود که در گالری هردنی برگزار شده بود و در آن آثار سه نسل از نقاشان معاصر را به نمایش گذاشته بود. علی گلستانه و لئون کهن که از شاگردان استاد علی‌اصغر پنگر بودند و کریم نصر از نسل بعدی و آثار نقاشانی چون شادیا ذاکر عاملی، حسینیعلی ذابچی، فرشید شفیعی، عباس میرزایی و امیر پاشا همشوار که از نسل جوان تر بودند.

اینکه کسی در ۷۸ سالگی اولین نمایشگاهش را برگزار کند و بعد حالا در ۸۸ سالگی تازه در مسیر شهرت افتاده باشد، چیز عجیبی است؛ اما وقتی در آیار تمانی در یکی از خیابان‌های فرعی شهر ک‌غرب باز می‌شود و پیرمرد در کنار همسر خندان و مهربان فرانسوی‌اش جلو در ظاهر می‌شود، همه این ماجرا برابمان امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. آنها صمیمی و فارغ از هرگونه نمایش‌اند. پیرمرد سال‌های عمرش را به کار و تلاش در کارخانه‌هایی گذرانده که به تخصص‌اش در صنایع غذایی محتاج بودند، با اینکه طی این سال‌ها دایما نقاشی می‌کشیده اما همیشه برای دلش این کار را می‌کرده و حتی وقتی که بسیار حرفه‌ای بود، حرفه‌ای نبود. همسر فرانسوی پیرمرد در هر کلام که می‌گوید یک‌بار می‌خندد و شادی و مهربانی توأمانش، یک انرژی مثبت مداوم است. در آن آیار تمان طبقه پنجم به اتفاق خانم هردنی به دیدار آقای لئون کهن رفقیم، بهانه ما برای این مهم‌صاحبه هم، نمایشگاهی بود که در گالری هردنی برگزار شده بود و در آن آثار سه نسل از نقاشان معاصر را به نمایش گذاشته بود. علی گلستانه و لئون کهن که از شاگردان استاد علی‌اصغر پنگر بودند و کریم نصر از نسل بعدی و آثار نقاشانی چون شادیا ذاکر عاملی، حسینیعلی ذابچی، فرشید شفیعی، عباس میرزایی و امیر پاشا همشوار که از نسل جوان تر بودند.

این به هر حال در تابلوهای من هم

رنخه کرده و در بعضی از آنها تأثیر این مسافرت‌های دریایی به جاهای مختلف دنیا وجود دارد.

■ **آز زمان ازدواج کرده بودید؟**

نه، من در سن ۲۵ سالگی به ایران برگشتم و شروع به کار در رشته صنایع غذایی کردم اما همیشه در کنار کارم نقاشی هم می‌کشیدم. در گالری افرنذ خانی بودند به نام مشعوف که نقاشی‌های من را دیدند و گفتند اگر بخواهم، می‌توانم تابلوهایم را آنجا بگذارم و من حدود ۱۵ یا ۲۰ تابلو آنجا گذاشتم که یکی از آنها فروش رفت و به یک آقای مرا معرفی کرد. استاد کهن آقای نصراللهی، ایشان نقاشی‌های من را دیدند و خیلی خوش‌شان آمد و گفتند آنها را به موزه بیل بیرم و من حدود ۴۸ تابلو را به همراه همسرم به آنجا بردم. خیلی سرمان شلوغ شد.

■ **واکنش در شهر بابل چطور بود؟**

آقای نصراللهی به من گفته بود که نقاشی‌های خیلی خوبی تحصیل در فرانسه با نقاشان بزرگ و تکنیک‌های مختلف آشنا شدم و شاید کارهای تو را نخرند. اتفاقا بعد از یک هفته که نقاشی‌ها را جمع کرده بودیم که برگردانیم، خانی آمدو خواهم شد و بعد از آن در گالری برگ نمایشگاهی برپا شده بود به نام حسابه‌ی‌ریختند.

■ **دیگر در چه نمایشگاه‌هایی شرکت کردید؟**

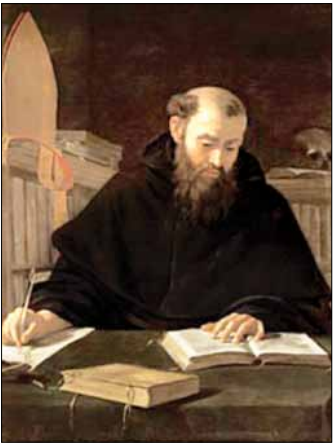
یکی از تابلوهایم را آقای شالویی که آن زمان در ارشاد بودند، برای موزه هنرهای معاصر خریدند و من خیلی تشویق شدم و بعد از آن در گالری برگ نمایشگاهی برپا شده بود به نام

کشف یک تابلو از کاراوای جیو نقاش نابغه ایتالیایی در برتانیای

تکسوار هنر تاریخ باروک

■ در هنر نقاشی اروپا نام‌هایی وجود دارد که همواره یک سرورگردن بالاتر از سایر هنرمندان قرار می‌گیرند، یکی از این نام‌ها مربوط است به میکال آنجلو مریمی مشهور به کاراواجیو. هنرمندی انقلابی و عصیان‌گر که همه با خلاقیت بی‌مانندش سنت نقاشی اروپا را متحول کرد و هم با اخلاق پرخاشسگرنه‌اش درسرهای زیادی برای حامیان خود و نیز کلیسای واتیکان به وجود آورد. تکنیک بدیع او در زمینه ایجاد کنتراست شدید بین روشنایی و تاریکی که به چاشم‌هایم معروف است، تمامی سطوح زیباشناسی نقاشی غرب را متحول کرد. مجموعه آثار کاراواجیو در عرض ۳۸ سال زندگی‌اش به ۵۰ عدد تابلو رسید، ولی مرگ ناهنگام و رازآلودش به او اجازه نداد تا هنر خود را گسترش داده و مخاطبان آن زمان و این زمان نقاشی را شگفت‌زده‌تر کند.اما اخیرا چند کارشناس تاریخ هنر از دو دانشگاه اتریشی و آمریکایی موفق شدند یکی دیگر از آثار کاراواجیو را کشف کنند تا تعداد آثار ثبت‌شده این نابغه هنر باروک به ۵۱ اثر نقاشی برسد. این اثر کشف شده شمایی است

از سنت آگوستین حکیم و عالم مسیحی که بین سال‌های ۳۵۴ تا ۳۸۶ پس از میلاد می‌زیست. وی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین عالمان کلیسا به حساب می‌آید و بسیاری از قرآنت‌های کلیسا کاتولیک براساس نظریات و تفسیر اوست. تابلوی سنت آگوستین اثر کاراواجیو با تکنیک رنگ روغن اثر استادانه است که چیره‌دستی این هنرمند را در ۲۸سالگی به نمایش می‌گذارد. براساس نوع انتخاب موضوع و قرار گرفتن در تابلو مشخص شده است که این نقاشی از مجموعه آثار کاراواجیو در سال ۱۶۰۰ میلادی است. سیاستین شوتر از دانشگاه وینا (Vienna) می‌گوید: «کشف این اثر برای تاریخ هنر اروپا بسیار پراهمیت است. تا به امروز همگان بر این گمان بودند که نقاشی مذکور مربوط به یک نقاش ناشناس قرن هفدهم است. اثری که شباهت‌هایی به هنر کاراواجیو دارد.» اما بررسی‌های فنی بیشتر نشان داد که نقاشی سنت آگوستین با مجموعه آثار کاراواجیو در سال ۱۶۰۰ کاملا همخوانی دارد. در همین سال بود که کاراواجیو به اوج قدرت خلافت‌ه خود رسیده بود. در این دوره وی بیشتر تمرکز خود را بر آثار و سوز‌های بادمائی قرار داده بود. نقاشی‌های که شباهت‌هایی به آثار مجسمه‌سازی باروک دارد. ابعاد تابلو آنچنان بزرگ نیست؛ ۱۲۰×۹۹سانتی‌متر



مربع. اما فضای اندوهناک و افسرده نقاشی به همان اندازه دیگر نقاشی‌های کاراواجیو تأثیرگذار، عاطفی و احساساتی است. چهره‌ای که تنها از تاریکی سر برآورد و صرفا بخش چپ بر تهره مشخص است. ردای سیاه سنت آگوستین بدن را در تاریکی غلیظی غرق کرده و اندوه و غم‌های این حکیم نشانگر موقعیت، مسوولیت‌ها و دغدغه‌های هنر است. سال ۱۶۰۰ برای کاراواجیو سال شانس و موفقیت‌هایی محسوب می‌شود که هم برخاسته از نبوغ جنون‌آمیزش بود، هم پشتیبانی افراد صاحب مقام و پرنفوذی چون ویچنزو جیستینینی. براساس تحقیقات کارشناسان اعلام کرده‌اند که این تابلو هم مرتب و هم از روغن مخصوصی جهت محافظت از آن استفاده شده است.تابلوی سنت آگوستین در کلکسیون شخصی کلویس وایت فیلد مسوخر هنر و مجموعه‌دار بریتانیایی ثبت شده است. حال ارزش این کلکسیون چندین و چند برابر خواهد شد. قرار است دانشگاه ییل (Yale) آمریکا با انتشار کتابی از آثار کاراواجیو به معرفی دقیق‌تر این اثر بپردازد. نقاشی کاراواجیو به سه دوره اصلی تقسیم می‌شود: دوران قبل از دوران چهارساله وحشتناک تبعید و سپس مرگ. داستان‌های مختلف و غامضی در زمینه مرگ کاراواجیو ساخته و پرداخته شده اما هنوز هیچ‌کدام از تئوری‌های کارشناسان تاریخ هنر در این زمینه به طور قطع به اثبات نرسیده است.

اما شاید فرضیاتی به حقیقت نزدیک‌تر باشد از جمله مرگ بر اثر مالاریا یا بر اثر احتقان روی که باعثش مواد و فلزات سنگینی بوده که در رنگ‌های روغنی آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفته. سال پیش واتیکان به دوستداران هنر لطف کرد و یکی دیگر از آثار کاراواجیو را که در انبار‌هایش خاک می‌خورد به نمایش گذاشت! چهره‌ای از پاپ، پل پنجم که کوتاه‌زمانی قبیل از آثار کاراواجیو از رم توسط این هنرمند خلق شده است.